نگاهی به فیلم‌های «خروج» و «روز بلوا»

فرزند زمانه خویش

نگاهی به رخدادهای مهم ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷

آن روزها

دیروز ملت کاخ ۵۷ سال ظلم را ویران کرد

رژیم متلاشی شد

اطلاعات چاپ دوم

آخرین سنگرهای فروریخته:

- رژیم شاهنشاهی
- نخست‌وزیری
- شورای سلطنت
- مجلس شورا و سنا
- پادگانهای ضدخلق
- ژاندارمری و شهربانی
- رادیو تلویزیون نظامی

قهرمانانه جنگیدند...

و قهرمانانه به پیروزی رسیدند...

دستور نخست‌وزیر به کارمندان دولت

اولین انتصابات دولت جدید:

قطب زاده: مدیر عامل رادیو تلویزیون

سپهبد توروزی: سرپرست شهربانی

امیر انتظام: سرپرست کاخ نخست‌وزیری

پیام‌های امام خمینی

- نگذارید با آتش سوزی و خرابکاری فاجعه ببار آورند
- اسرا را مورد خشونت و آزار قرار ندهید

پیام آیت‌الله العظمی شریعتمداری

روزمره نگاری

خاک سرد نیست

رقیه توسلی: سَرَک می‌کشم توی دفترش. چپ چپ نگاهم می‌کند «گل ترمه» و می‌گوید: داری مزاحمم می‌شوی خاله‌ای.

شانه می‌تکانم که ببخشید. بیشتر از یک ساعت است که هی می‌نویسد، هی پاک می‌کند، وسطش هم خیره می‌شود به پایه مبل تکنفره.

ژست شرلوک هولمز می‌گیرم تا سر از کارش دربیاورم که «آبان» با پیشدستی پرتقال می‌آید و ویر بازی‌اش می‌گیرد. بازی پوست پرتقال اساساً در خونمان است. تفریحی که اصلاً پیچیده نیست. اول پرتقال را ریسه‌ای پوست می‌گیریم بعد قشنگ قدّ ۱۰ سال بو می‌کشیمش، آن‌وقت آویزان می‌کنیم روی سرمان، می‌خندیم، عکس می‌گیریم و تمام... شـــاید بی‌معنی و خنده‌دار برســـد اما زمستان‌ها، گالری گوشی‌مان پر می‌شود از این مدل عکس‌ها!

پا می‌شـــوم حال و روز گلی را از خواهری جویا شـــوم که گوشه‌ای حافظ به بغل پیدایش می‌کنم. بی حـــال و دَمغ. انگار جدی جدی توی این خانه باید شرلوک هولمز بشـــوم امروز. ذره‌بینم را درمی‌آورم. دیوان جناب حافظ بهانه اســـت. خواهری غرق اعلامیه ای است که آن وســـط جاساز کرده. مدام هم سرانگشتانش را می‌کشد روی صفحه‌ای که آقاجان آنجا جملات و احساسات پدرانه‌اش را برایش ریخته روی دایره. مانده‌ام چه بکنم که آقای همســـر زنگ می‌زند. می‌خواهد از ســـاعت رفتن به آرامگاه مطلع شـــود که گلی دستپاچه می‌دود کنارم که بگو یک کم دیرتر می‌رویم. نامه من هنوز مانده به‌خدا و یکهو چشم‌هایش رودخانه می‌شود.

پنجشنبه است. نمی‌دانم چرا اوضاع خانه خواهری یادِ خانجان می‌اندازدم که قربان صدقه‌اش برای هر کسی، خاص همان آدم بود. مثلاً هروقت می‌خواست دور آقاجان بگردد می‌گفت: مار، تی قده بمیره (مادر قربان قدوقواره ات برود). می‌شـــوم هولمزِ وارفته‌ای که می‌رود روی تراس و شماره پدرش را می‌گیرد و بی توجه به بوق آزاد می‌گوید: کاش اینجا بودی و می‌دیدی چقدر خاطرخواه داری آقاجان... کاش می‌دیدی این ژن چه چیز باحالی است وقتی عین شما، بچه‌ها و نوه‌هایتان هم پوســـت پرتقال می‌گذارند روی سرشـــان و بی‌شـــک نتیجه‌هایتان... کاش بودی دختربزرگت را می‌دیدی چطور حافظ نمی‌خواند، دستخط عاشقانه شما را گذاشته روی چشم‌هایش... جناب سروان! گلی برایت نامه نوشته... با مداد قرمز و سیاه کلی وقت هم ریخته پای خوشگل‌سازی اش... کاش می‌دیدی دلتنگی، علی را چجور کرده ابرِ بهار.

پنجشنبه است. آنچه به عنوان یک هولمزِ محزون کشف می‌کنم این‌هاست: خاک سرد نیست... فقیرترینی اگر پدری نباشد که قربانِ صدقه قد و بالایش بروی.

باور می‌کنید؟

بدهی ناهار

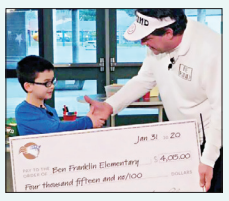

قـــدس زندگی: محمد رســـتم‌پور، فعال رسانه‌ای با انتشار پستی در کانال تلگرامی‌اش از معضل عجیب و غریبی در مدارس آمریکا رونمایی کرده که حســـابی تعجب کاربران فضای مجازی را برانگیخته است. رستم‌پور درباره مشکلی به نام «بدهی ناهار» در تلگرام نوشته است: «یک پسربچه آمریکایی به نام «کئونی چینگ» در واشـــنگتن توانست با فروش جاسوئیچی بدهی ناهار خود و هم‌مدرسه‌ای‌هایش و ۶ مدرسه دیگر را بپردازد. فراخوان کئونی از واشنگتن به سایر ایالت‌های آمریکا رسید و افرادی از ایالت‌های آلاسکا، آریزونا، رود آیلند، مینه‌سوتا و... سفارش‌هایی به کئونی دادند تا او در نهایت بتواند بیش از ۴ هزار دلار جمع‌آوری کند و کل بدهی ناهار خود و هم‌مدرسه‌ای‌هایش و ۶ مدرسه دیگر را تسویه کند. «بدهی ناهار» از جمله موضوعاتی است که دانش‌آموزان مدارس ابتدایی آمریکا با آن درگیرند. در پایان ســـال تحصیلی ۲۰۱۸، ۷۵ درصد از مدارس ابتدایی نواحی مختلف آمریکا از دانش‌آموزان این مدارس طلب داشتند. ۲۹,۷ میلیون دانش‌آموز آمریکایی در «برنامه ملّی ناهار» ثبت‌نام کرده‌اند، اما بیش از دو ســـوم آنان قادر به پرداخت هزینه ناهار که بر اســـاس سطح درآمد آنان تعیین می‌شود؛ نیستند. موضوع «بدهی ناهار» اگرچه در نگاه کلان، یک موضوع فرعی و سطح پایین در نگاه سیاستمداران است، همچنان که هیچ یک از کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا هیچ برنامه یا اشاره‌ای در مورد آن ندارند؛ اما از نظر سخنگوی انجمن تغذیه آمریکا، تأسف‌بار و شرم‌آور است».

روایت مجازی

اگر به زبان انگلیسی می‌ساختند...

قدس زندگی: مثل هر سال، جشنواره فیلم فجر، تنورِ حاشیه‌هایش هم داغ داغ است! یکی از عجیب و غریب‌ترین حاشیه‌های جشنواره هم مربوط می‌شود به حمله خبرنگاران به کارگردان فیلم «آتابای». تقریباً دو روز پیش در نشست خبری فیلم «آتابای» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی نیکی کریمی و نویسندگی هادی حجازی‌فر یکی از خبرنگاران در اعتراض به ســـاخت این فیلم با زبان ترکی، حسابی عوامل آتابای را به باد انتقاد گرفت.

هادی حجازی‌فر در واکنش به این انتقادها گفت: «هیچ‌کس حق توهین به زبان ترکی را ندارد و طبق قانون اساســـی ادبیات ترک باید در دانشکده ترک تدریس شود. افکار جدایی‌طلبانه محصول نگاه‌های فاشیستی است که برخی از منتقدان و خبرنگاران سینما به این‌گونه فیلم‌ها دارند. افکارت فاشیستیه؛ تو و هیچ کس دیگر حق توهین به زبان ترکی را ندارید؛ مگه تو صاحب سینمایی؟!» دفاع جانانه هادی حجازی‌فر از زبان ترکی با واکنش‌های تحسین برانگیز کاربران فضای مجازی هم همراه شد. کاربران ضمن اعتراض به صحبت‌های آقای خبرنگار، اعلام کردند که زبان ترکی و هموطنان ترک‌زبان کشورمان بخشی جدایی‌ناپذیر از ایران هستند و باید بیش از پیش به فرهنگ اصیل و غنی این قوم غیور در عرصه هنر پرداخت.

در ادامه نمونه‌هایی از پست‌های کاربران فضای مجازی را می‌خوانید:

«وقتی حجازی‌فر در جواب آن خبرنگار جمله‌اش را این‌گونه آغاز می‌کند که (من به عنوان یک ترک...) و حضار در واکنش به او می‌خندند مشخص می‌شود فاشیسم در بسیاری از ذهن‌ها نهادینه شده و شکستن این قالب ذهنی کاریست بس دشوار... اینکه یک فیلم سینمایی به زبانی غیر از زبان فارسی ساخته بشه، برخی‌ها آشفته و عصبانی می‌شـــن و می‌گن حق ندارید!... جالبه که این طرز تفکر اونقدر عادی شده که پاسخ‌های حجازی‌فر و نیکی کریمی برامون تازگی داره، درحالی که باید حرف‌های عصر حجری خبرنگار برامون تازگی داشـــته باشه... دهانت را می‌بویند مبادا غیرفارسی صحبت کرده باشی... جدی اگه فیلم به زبون انگلیسی ساخته شده بود هم رگ غیرتتون می‌زد بالا یا اتفاقاً کارگردانو تحسین می‌کردین که به سینمای غرب نزدیک‌تر شده»؟

امجید تربت‌زاده | صدای شکستن استخوان‌های رژیم پهلوی، خیلی وقت پیش بلند شـــده بود. این صدا را خود پهلوی دوم هم انگار شـــنیده بود. برای همین به بهانه استراحت، از ایران رفت. رفت در حالی که خودش هم چندان امیدوار نبود که این بار، مثل ۲۸ مرداد ۲۵ ســـال پیش، شکسته‌بندی پیدا بشـــود و بتواند خُرده اســـتخوان‌هایش را جوری جمع و جور و سرهم کند که ســـلطنت، حتی بدون پهلوی‌ها، بتواند دوباره سرِپا بایستد. مردم ایران هم در روزهای دهه سوم بهمن ۵۷، این را به خوبی می‌دانستند. عطر پیروزی به مشامشان خورده و محال بود دست از مبارزه بردارند. با این همه کمتر کسی حدس می‌زد رژیم سلطنتی با آن همه ادعا و حمایت‌کننده‌ای که میان کشورهای ریز و درشت آن زمان داشـــت، از زمان ورود امام(ره) به کشور، فقط ۱۰ روز دوام بیاورد و بعد یکباره فرو بریزد.

آخرین تیر رژیم

شاه مدتی پیش گریخته، ساواک تقریباً منحل شده، دولت بختیار دچار ورشکستگی مالی و سیاسی است، امام(ره) دولت موقت تشکیل داده و اوضاع کشور به‌شدت ملتهب اســـت. اما این را هم نمی‌شـــود نادیده گرفت که با همه این موارد، ارتش هنوز دســـت نخورده و ظاهراً گوش به فرمان بقایای سیســـتم شاهنشاهی است. ساواک اگرچه منحل اعلام شـــده، امـــا دفتر و ســـازمان‌های تابعه‌اش هنوز ســـرپا و تحت حفاظت هستند. فرماندهان نظامی و انتظامی توانســـته‌اند شهربانی‌ها و ژاندرمری‌ها را حفظ کـــرده و به صورت آماده‌باش نگه دارند. گارد جاویدان هم دست‌نخورده‌تر از ارتش، گوش به فرمان فرماندهان است و از روز قبل با حمله به پادگان دوشان تپه از یک‌سو مشغول درگیری با همافران طرفدار انقلاب است و از سوی دیگر با مردم می‌جنگد. از چپ و راست هم اخبار و شایعه کودتا به‌گوش می‌رسد و مردم بیش از اینکه بتوانند به پیروزی سریع فکر کنند، خودشان را برای جنگی حداقل دو سه ماهـــه آماده کرده‌اند. نگرانـــی در هر دو طرف ماجرا موج می‌زند. در همین شرایط، فرمانداری نظامی اعلام می‌کند از ساعت ۴/۵ عصر امروز، حکومت نظامی برقرار و هرگونه رفت و آمد ممنوع خواهد بود. این خبر اگرچه نشان‌دهنده وحشت دولت بختیار و نظامیان از مردم است، اما علامت امکان وقوع کودتا هم هســـت، به‌خصوص اینکه بختیار جلســـاتی را با شـــورای امنیت برگزار کرده و فرماندهان نظامی هم اعلام کرده‌اند برای هراقدامی که منجر به حفظ سلطنت شود آماده‌اند. آیا اعلام حکومت نظامی مقدمه‌ای برای کودتا و انداختن آخرین تیر ترکش بختیار و ارتش شاهنشاهی است؟

ترس مردم نریخته بود

خاطرات «محســـن رضایی» از آن روزها به خوبی نشان می‌دهد که حساســـیت ماجرا تا چه انـــدازه بوده و چرا امـــام(ره) بلافاصله اطلاعیه داده، از اعلام دســـتور جهاد خودداری کرده اما اعلام می‌کنند حکومت نظامی خدعه و نیرنگ است و مردم به کوچه و خیابان‌ها بیایند: «... نگران بودیم مبادا مأموران حکومت نظامی، شـــب که مردم در خواب هســـتند بریزند و امام را بردارنـــد و ببرند... در این صورت، حادثه خرداد ۱۳۴۲ تکرار می‌شد که شبانه امام را از قم به تهران بردنـــد... بعدازظهر ۲۱ بهمن، اطلاعیه حکومت نظامی صادر شـــد... از دفتر امام در مدرسه رفاه به ما اطـــلاع دادند امام می‌گویند به خیابان‌ها بروید و به مردم دل و جرئت بدهید که به اعلامیه حکومت نظامی توجه نکنند... به کســـانی هم که به خانه رفته‌اند، اطلاع بدهید که برگردند و به خیابان‌ها بیایند... نشســـتیم فکر کردیم این کار را چگونـــه عملی کنیم؟... آن موقع هنوز خفقان در جامعه حاکم بود. یعنی هنوز ترس مردم از رژیم کاملاً ریخته نشده و نشـــانه‌های رعب از سرکوب توسط ارتش باقی بود... بعدازظهر ۲۱ بهمن که شرایط حساس‌تر شد شهید بروجردی ما را از تصمیم امام باخبر کرد. طرح عملیاتی ما این بود که سوار وانت بشویم و با نشان دادن اسلحه به مردم، هم به آن‌ها قوت قلب بدهیم و هم بگوییم به فرمان امام حکومت نظامی نداریم و از مردم بخواهیم که خیابان‌ها را ترک نکنند و در خیابان‌ها بمانند. سوار وانت شدیم و از خیابان ایران به سمت میدان ژاله (میدان شهدا) بیرون آمدیم. به اول میدان شـــهدا که رسیدیم، چفیه‌ها را به صورتمان زدیم تا چهره‌مان کاملاً پیدا نباشـــد، فقط چشم‌هایمان پیدا بود. اسلحه را بالا گرفتیم و شروع به سر دادن شعار الله‌اکبر کردیم...همزمان که ما شروع به گفتن الله‌اکبر کردیم، ســـر و کله اولین ماشین‌های ارتش هم از دور پیدا شـــد و حکومت نظامی شروع شد. خیابان‌ها هم خیلی خلوت شده بود. ما از آنجا به طرف میدان خراسان رفتیم. وقتی دوباره آن مسیر را برگشتیم، دیدیم دستور امام موجب شـــده مردم به خیابان‌ها بریزند... بار سوم که می‌خواستیم از میدان شهدا به میدان خراسان برگردیم، تراکم حضور ارتشی‌ها بسیار بیشتر از قبل شده بود و مردم هم خیلی بیشتر شده بودند. وقتی برای بار سوم به سمت میدان خراسان می‌رفتیم، شعار الله‌اکبر مردم بلند شده بود و جمعیت آن‌قدر متراکم شده بود که ما به سختی خودمان را به داخل خانه رساندیم. ســـازماندهی مجدد کردیم و مجدداً بیرون آمدیم. همان شب درگیری‌ها شروع شد...».

شورای امنیت ملی

اعلام حکومت نظامی و بعد هم فرمان امام(ره) ماجرا را به سمتی برد که مردم و رهبران انقلاب می‌خواستند. یعنی به جای اینکه خیابان‌ها خلوت و مثلاً شرایط برای کودتا و سرکوب آماده شود، خیابان‌های شهر سنگربندی شدند و انقلابیون مسلح و مردم کنترل بخش‌های از شهر را به عهده گرفتند. حال و هوای آن روزها را می‌شود با نگاهی به تیترهای روزنامه یا عناوین خبری رادیو و خبرگزاری‌های مختلف، احســـاس کرد: «در نبردهـــای خونین مردم و نظامیان در تهران، صدها نفر کشـــته و زخمی شـــدند... تعداد شـــهدای امروز تا ساعت ۱۱ شب، ۱۲۶ تن و تعداد مجروحیـــن ۶۳۴ نفر اعلام شـــد... می‌گویند ده‌ها نفر از درجه‌داران نیروی زمینی و سربازان از تیراندازی به سوی مأموران نیـــروی هوایی خـــودداری کردند و حتی گفته می‌شود یکی از افراد نیروی زمینی به طرف فرمانده خود شلیک کرده اســـت... ده‌ها هزار تن از مردم تهران، پشت کیسه‌های شن و خاک در خیابان‌ها سنگر گرفتند...

صدها اتومبیل شـــخصی مردم، پر از ملافه‌های سفید و دارو و غـــذا به طرف نیـــروی هوایی حرکت کردند... یک هلی‌کوپتر گارد شاهنشاهی در تهران ساقط شد... کلانتری تهران نو ـ پس از پنج ساعت درگیری شدید، سقوط کرد و کلانتری‌ها یکی پس از دیگری به دست مردم افتاد... حدود ســـاعت ۱۲ ظهر دو تانک نیروی زمینی توســـط افراد نیروی هوایی و مردم در خیابان دماوند به غنیمت گرفته شد... ده‌ها قبضه اسلحه سبک و دو تیربار سنگین مربوط به نیروی زمینی به تصرف نیروی هوایی و مردم درآمده اســـت... پس از شـــدت گرفتن حملات مردم به کلانتری‌ها و پادگان‌ها، فرماندار نظامی تهران ســـاعات حکومت نظامی و منع عبور و مرور را از ساعت ۴/۵ بعدازظهر تا ساعت ۱۲ ظهر فردا افزایش داد... دولت موقت هم اعلامیه حکومت نظامی را یک توطئه دانست... شورای امنیت، برای بررسی اوضاع کشور تشکیل جلسه داد...».

هشدار جنگ داخلی!

دانشـــگاه تهران از صبح ۲۱ بهمن حالت عادی خود را از دســـت داده و تبدیل به یک پایگاه مبارزه مسلحانه شد. شـــاپور بختیار اما هنوز به فکر مصاحبه و امتیاز گرفتن بود. او در گفت‌وگویی با هفته‌نامه فرانســـوی «لوپوان» سعی کرد هم مردم را از احتمال وقوع جنگ داخلی و اغتشاش بترســـاند و هم از کودتا: «اگر مقام نخست‌وزیری را ترک کنم کشور دچار جنگ داخلی، هرج و مرج و اغتشاش خواهد شد. اگر استعفا دهم یا کسی مرا بکشد دیگر دولت قانونی وجود نخواهد داشت و احتمال کودتا هم وجود دارد».

هشـــدار و تهدیدهای بختیار در حالی بود که تهران به عنوان قلب توفنده انقلاب، عملاً به صحنه جنگ مردم با بقایای رژیم تبدیل شده بود. تیپ زرهی قزوین که برای تقویت نیروی دفاعی حکومت نظامی وارد تهران شده بود در خیابان سپه به سد سنگربندی‌های مردمی خورد و متوقف شـــد. از مشهد هم خبر می‌رسید که بیش از یک میلیون نفر به خیابان‌ها ریخته‌اند. در شـــهرهای کوچک و بزرگ دیگر از جمله شوشـــتر، بندرعباس، ســـقز، کازرون، شـــاهرود، بندر گز، لاهیجان، زرقان، تبریز، مرودشت، ممسنی، کرمانشـــاه، ملایر، زنجان، بهبهان، نوشهر، مسجدسلیمان، تاکستان، زنجان، درود، خرم‌آباد، اردبیل، شهریار، اهر، کوهدشت، سیرجان و... هم فقط خبرهای راهپیمایی و درگیری مخابره می‌شد.

انقلاب به پایان نرسیده است

انگار کافی بود که شب پرالتهاب، درگیری و توطئه بار ۲۱ بهمن به صبح برسد و در پرتو اولین روشنایی‌های صبح ۲۲ بهمن، همه آن‌هایی که خودشان را به خواب زده بودند، فروپاشی بزرگ را ببینند. اگرچه نبرد شدید مردم بـــا نیروهای گارد در خیابان‌های تهران شـــدت بیشـــتری پیدا کرد، پزشـــکی قانونی مملو از اجساد شـــهدای چند روز اخیر بود، اغلب شهرستان‌ها هنوز صحنه جنگ خونین مردم و نیروهای مســـلح بود، اما با سقوط اسلحه‌سازی شـــرق تهران و تسلیحاتی که به دســـت مردم افتاد، اتفاقات بعدی سقوط، پی درپی رقم خوردند. ابتدا زندان اوین، ســـاواک، مجلس سنا و مجلس شـــورا و بعد هم رادیو و تلویزیون، ساختمان نخســـت وزیری، ژاندارمری و شهربانی به دست مردم فتح شدند. ســـاعت ۱۰:۳۰ صبح، شورای عالی ارتش طی اعلامیه‌ای بی‌طرفی خود را اعلام کرد. فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش با رفتن نزد امام(ره) استعفای خود را تقدیم و پشتیبانی‌شان را از ایشان اعلام کردند. خبر شکســـت کودتا هم که آخرین امید خیلی‌ها بود، در همه جا پیچید. در این شـــرایط کافی بود که رادیو و تلویزیون به طور رسمی خبر استعفا و فرار بختیار و همچنین سقوط و پایان رژیم شاهنشاهی را اعلام کند. امام(ره) اما در پیامی هوشمندانه اعلام کردند: «... توجه داشته باشـــید که انقلاب ما از نظر پیروزی بر دشمن هنوز به پایان نرسیده است...».

ورزش ۱۰ ۱۱

امروز نخستین مسابقه استقلال در لیگ قهرمانان آسیا

«شهر خودرو» حریف مرموز الهلال

در انتخاب اسکوچیچ آقازاده‌ها نقش داشتند

دایی: صلاحیتم برای تیم ملی رد شد!

دیدار ستاره دیروز و ستاره امروز

وقتی خداداد به کلوپ سر توپ می‌زد!

مجاز آباد

خانه‌داری یعنی تربیت انسان

صفحه اینســـتاگرام ریحانه منتســـب به دفتر حفظ و نشـــر آثار رهبر معظم انقلاب که به نشـــر دیدگاه ایشـــان در حوزه زن، خانواده و ســـبک زندگی می‌پـــردازد، قرار اســـت در روزهای آینده پرونـــده ویژه‌ای را با موضوع خانـــه‌داری برای بررســـی ابعاد نقشِ «خانه‌داری و مادریِ زنان» براســـاس بیانات رهبر انقلاب اســـلامی منتشر کند. صفحه اینستاگرامی ریحانه در همین راستا به‌تازگی سومین پوستر از مجموعه طرح خانه‌دار و پرافتخار را منتشر کرده اســـت. در متن کامل این عکس نوشته آمده است: «فریفتگان غافل، خانه‌داری زن را تحقیر می‌کنند؛ در حالی‌که خانه‌داری یعنی تربیت انسان و تولید والاترین محصول عالمِ وجود یعنی بشر».

دست مریزاد

ســـید عزت‌الله ضرغامی در ارتباط با فیلم «روز صفر» در صفحه توییترش نوشـــت: «روز صفر را دیدم. دست مریزا! نگران بودم که حق این ســـوژه مهم یعنی دستگیری عبدالمالک ریگی، ادا نشـــود. خوشـــحالم که این چنین نشـــد. برخی منتقدان، خلأ پاسخ‌های ایدئولوژیک را از نقاط ضعف این فیلم می‌دانند. موافق نیستم! مشکل امروز ما نه ایدئولوژی، بلکه «تاکارآمدی» در مقابل انبوهی از «دعا»هاست». البته ناگفته نماند که تماشاچیان هم حسابی از فیلم روز صفر راضی بوده‌اند و براســـاس آمار منتشر شده، این فیلم همراه با مغز استخوان، آبادان یازده ۶۰، درخت گردو، دوزیست، شنای پروانه، خوب-بد-جلف ۲ و روز بلوا، در لیست بهترین فیلم‌های جشنواره بر اساس آرای مردمی قرار دارند.

قوانین حقوقی را اصلاح کنید

همزمـــان بـــا ســـالروز شـــهادت حضرت ام‌البنین(س) و روز تکریم مادران و همسران شهدا، شهره پیرانی همسر شهید داریوش رضایی‌نژاد با انتشار عکســـی از دیدارش با رهبر انقلاب در اینســـتاگرام نوشت: «قطعاً از جانب مادر شهید نمی‌توانم سخن بگویم، ولی به عنوان همسر شهید می‌توانم سخن بگویم. به نظر من بزرگ‌ترین تکریم همسران شهدا اصلاح برخی قوانین حقوقی است که زنان پس از شهادت همسرانشان تازه باید خود را آماده چالش‌های متعدد با آن‌ها بکنند. بارها با مسئولان ذی‌ربط این مسائل را مطرح کرده‌ام، ولی هیچ‌گاه شاهد اراده‌ای برای حل این معضلات از سوی آن‌ها نبوده‌ام».

بیایید شبیه شهاب حسینی باشیم!

کاربران فضای مجازی با داغ کردن هشتگ #شهاب_حســـینی نسبت به اظهارات این بازیگر در جشنواره فیلم فجر واکنش نشان دادند و حسابی از او تعریف و تمجید کردند. شهاب حسینی در نشســـت خبری فیلم «شین»، درباره تحریم جشنواره فیلم فجر توسط مسعود کیمیایی گفته بود: «ایشان روغـــن ریخته را نذر امامزاده کرده». کاربری در واکنش به صحبت‌های شـــهاب حسینی نوشته اســـت: «بیایید از این به بعد ورای حزبی بودن، یک انسان آزاده باشـــیم. ورای سیاسی بودن، منصف باشیم و برای حق هزینه بدیم. بیاید شبیه شهاب حسینی باشیم».

بازی روانی سعودی‌ها با مهدی قائدی

ورزش: یک خبرنگار سعودی رگ‌ای دادگاه مهدی قائدی بازیکن تیم فوتبال استقلال را درباره مرحوم احمدرضا شاکر واکنش داد.

نواف الاسیوی خبرنگار سعودی رگ‌ای دادگاه مهدی قائدی درباره مرحوم احمدرضا شاکر را بازتاب داد تا جو سازی علیه این بازیکن به راه انداخته باشد. در رأی قطعی دادگاه مهدی قائدی درباره تصادف دو سال گذشته، این بازیکن به پرداخت دیه محکوم شد. اما این رسانه سعی بر زندان رفتن بازیکن استقلال دارد.

حدادی در جمع برترین بازیکنان بین المللی قاره آسیا

ورزش: ستاره بسکتبال ایران در میان برترین بازیکنان بین المللی قاره آسیا در ۳۰ سال اخیر قرار گرفته است سایت فاکس اسپورت در گزارشی به بررسی برترین بازیکنان بین المللی قاره آسیا در ۳۰ سال اخیر پرداخته که حامد حدادی از ایران هم در میان آن‌ها قرار دارد. در این گزارش به پنج سال حضور حدادی در لیگ NBA و تیم ممفیس گریزلیز اشاره است. حدادی در سال ۲۰۰۷ و زمانی که ۲۳ ساله بود نخستین قهرمانی را با تیم ملی در آسیا تجربه کرد و سال ۲۰۰۸ نیز در المپیک یکی در جمع برترین ریباندر ها بود و همین موضوع زمینه ساز حضور او در NBA شد.

پاس طلایی جهانبخش برای نجات برایتون

ورزش: برایتون که در دیدارهای اخیرش نتوانسته بود نتایج خوبی بگیرد، در نیمه نخست مسابقه مقابل واتفورد زده هدفمی با یک گل شکست خورد، اما در نیمه دوم و پس از ورود علیرضا جهانبخش از دقیقه ۷۲ به زمین نتیجه بازی تغییر کرد. جهانبخش تنها پنج دقیقه برای اثبات شایستگی های خود پس از دریافت جایزه بهترین گل ماه زانویه لیگ جزیره زمان می خواست و توانست با فرار سریع از جناح راست و ارسال تند و تیز زمینی کریر داده می شود همسرش در پرو دچار سانحه رانندگی شده بود و حتی چند روز در کما بوده است.

چرا بازیکن تراکتور به کشورش سفر کرد؟

ورزش: ویلیان میمیلا چند روزی است برای مداوای مچ پایش راهی کشورش پرو شده است اما این سفر سبب شده تا به باشگاه تراکتور بابت مجوز چنین سفری انتقادانی شود. پیگیری‌ها نشان می‌دهد که میمیلا که به دلیل تمرین در زمین یخی از ناحیه مچ پا آسیب دیده است پس از آزمایش MRI متوجه شده که در مچ پا دچار ترک خوردگی شده و باید در یک کلینیک مجهز به مداوای پایش بپردازد از طرفی به این بازیکن جزیره داده می‌شود همسرش در پرو دچار سانحه رانندگی شده شده و حتی چند روز در کما بوده است.

ضد حمله

نکیسا کاندیدای هیئت رئیسه فدراسیون شد

ورزش: نکیسا که چند ماه قبل از سوی مهدی تاج به عنوان مسئول توسعه فوتبال پایه در فدراسیون فوتبال مشغول به کار شده بود حالا برای حضور در انتخابات هیئت رئیسه فدراسیون کاندیدا شده و در مجمع انتخاباتی حضور خواهد داشت. نکیسا با حضور در فدراسیون فوتبال نام خود را برای انتخابات ثبت کرد.

پایان مهلت قانونی ثبت نام با هفت نامزد ریاست

از شهردار مشهد تا مدیرعاملان اسبق سرخ آبی

ورزش: مهلت قانونی ثبت نام در انتخابات فدراسیون فوتبال ساعت ۱۶ روز یکشنبه به پایان رسید. تا پایان مهلت قانونی حسین قریب(مدیرعامل اسبق استقلال)، حبیب کاشانی(مدیرعامل اسبق پرسپولیس)، محمدرضا کلایی(شهردار مشهد)، رضا جلالی(معاون فرهنگی فدراسیون دادگان)، مهدی محمدنبی(دبیرکل اسبق فدراسیون)، هدایت مصمیبی(رئیس کمیته داوران) و امیر مسعودفرائیان(رئیس هیئت فوتبال اصفهان) هفت نامزد ریاست فدراسیون بودند که افغانستان حریف‌پارلوند را به عنوان نایب رئیس دوم پیشنهادی خود به مجمع معرفی کردند.

این هفت نفر تنها در صورتی می‌توانند در انتخابات ۲۵ اسفند شرکت کنند که حداقل ۱۰ امضا از اعضای مجمع بگیرند. به گفته علی فتح اللهزاده همین شرط ۱۰ امضا سبب شد چهره‌های موجه فوتبالی مثل علی دایی، محمددادگان و... قید شرکت در انتخابات را بزنند.

فتح‌اللهزاده:فدراسیون فوتبال کوهی از طلاست

ورزش: فتح‌اللهزاده در مورد استعفایش از هیئت مدیره استقلال گفت: استعفایم را دادمام و از شاه‌الله وزیر موافقت کند. از من خواستند که بروم کار اجرایی کنم و وقتی نمی‌توانم کمکی کنم و هوادارن از من می‌خواهند تحولی ایجاد کنم و این تحول ایجاد نمی‌شود، کنار رفتم. یک روز با سست اجرایی برمی‌گردم و فرهاد مجیدی نیز آن موقع با تجربه‌تر شده است و می‌توانیم ستاره سوم هم در آسیا کسب کنیم.

وی در مورد بدهی‌های فدراسیون فوتبال نیز گفت: فدراسیون فوتبال کوهی از طلاست و فقط برنامه‌ریزی ندارد. ما چاه هیئت رئیسه فوتبال را پایین دیدیم. یاد آقای فروسیی‌پور به خیر. من ۲۰ سال پیش گفتم این انتخابات، انتصابات است. اگر انتخاب واقعی بود دایی و دادگان هم می‌آمدند.

هوار ملا محمد زنده است

ورزش: چندی پیش یکی از رسانه‌های عراقی در خبری اعلام کرد: هوار ملا محمد بازیکن سابق تیم ملی عراق که سابقه بازی در تیم‌های استقلال و پرسپولیس را هم در کارنامه دارد، در یک سانحه رانندگی جان خود را از دست داده است.

انتشار چنین خبر غم‌انگیزی بازتاب زیادی داشت و شایعات زیادی ایجاد کرد. با این وجود هوار ملا محمد کعبی بعد با انتشار یک ویدئو، این خبر را تکذیب و اعلام کرد هیچ سانحه‌ای برای او اتفاق نیفتاده است و قصد دارد از رسانه‌ای که این خبر دروغ را منتشر کرد شکایت کند.

وزارت، فدراسیون را در پرونده ویلموتس تنها گذاشت

ورزش: سرمربی سابق تیم ملی فوتبال ایران پس از جدایی، خواستار دریافت غرامت حدود ۱۰۰ میلیارد تومانی شده که این موضوع برای فدراسیون فوتبال به یک بحران تبدیل شده است. به همین دلیل مدیران فدراسیون فوتبال به دنبال پیدا کردن راه حلی برای حل این مشکل هستند تا کار به قیفا- نرسد.

پس از این موارد شایعه شده بود که وزارت ورزش و جوانان درصدد کمک بیشتر به فدراسیون فوتبال برای حل این مشکل است که ژاله قرامرزیان، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت ورزش و جوانان گفت: در حد قانونی و تصویب شده به فدراسیون فوتبال کمک می‌کنیم و اینکه کمک بیشتری خواهیم کرد کذب است.

او افزود: کنترل و هدفمند کردن کمک‌ها برعهده فدراسیون فوتبال است، زیرا آن‌ها نهاد مستقل محسوب می‌شوند، اما اینکه بخواهیم بیشتر از دیگر فدراسیون‌ها به فدراسیون فوتبال کمک کنیم صحت ندارد.

در انتخاب اسکوچیچ آقازاده‌ها نقش داشتند

دایی: صلاحیتم برای تیم ملی رد شد!

ورزش: سرمربی اسبق تیم ملی فوتبال ایران درباره سپردن سکان هدایت این تیم به دراگان اسکوچیچ، عنوان کرد که این مربی کروات، خارج از فدراسیون فوتبال انتخاب شده است. به نقل از ایسنا، علی دایی درباره انتخاب دراگان اسکوچیچ به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال ایران اظهار کرد: مناقشه انتصاب‌ها براساس مسائل غیرفوتبالی صورت می‌گیرد و مسائل فنی مقبول و این‌گونه موضوعات نقشی در انتخاب‌ها ندارد.

آقازاده‌ها در انتصاب‌ها نقش دارند

دایی در مورد انتخاب سرمربی جدید تیم ملی گفت: متأسفانه در برخی از انتصاب‌ها بعضی از آقازاده‌ها دخیل هستند. درباره ویلموتس هم یک نفر باید ورود کند که مشخص شود ویلموتسی که اخیرن قرارداد ۷۵۰ یا ۸۵۰ هزار یورو بوده است چطور به یکباره قرارداد ۲میلیون و ۷۵۰هزار یورویی برای یک سال منعقد می‌کند؟ این مربی با دستیارانش ۳میلیون یورو در این وضعیت اقتصادی، خرج روی دست فوتبال ایران گذاشت.

حمله به اسکوچیچ

او در پاسخ به این پرسش که آیا فکر می‌کنید انتخاب اسکوچیچ خارج از فدراسیون فوتبال انجام شده است یا خیر گفت: مطمئناً این انتخاب خارج از فدراسیون فوتبال انجام شده است.

تا چند روز قبل قرار بود مربی ایرانی به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب شود، اما به یکباره آقای اسکوچیچ، پس از یک روز مذاکره انتخاب می‌شوند. اگر از تمام اعضای هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال بپرسید متوجه خواهید شد که نظر هیچ یک از این عزیزان، روی اسکوچیچ نبوده است. شما بروید و ببینید اسکوچیچ پس از انتخابش به عنوان سرمربی تیم ملی، چه بازی‌ای را در لیگ، از تزدیک تماشا کرده است. بعد می‌فهمید چه کسانی او را به تیم ملی آوردند. آیا در تیم سایپا و پارس جنوبی، بازیکن ملی پوش دارید؟ باید دقت کنید ببینید این مسائل از کجا نشأت می‌گیرد.

بی‌احترامی به مربیان ایرانی

دایی در ادامه با بیان اینکه امیر قلعه‌نویی پرافتخارترین مربی ایرانی است گفت: ما به غیر از آقای قلعه‌نویی، مربیان بسیار خوب زیادی در ایران داریم. برای من سؤال است، اسکوچیچ با چه سابقه کاری و کارنامه‌ای به عنوان سرمربی تیم ملی ایران انتخاب شده است؟ واقعاً برایم جای سؤال است که چه کسی به این انتخاب رسیده که اسکوچیچ را انتخاب کند؟ این بی‌احترامی بزرگی بود که به تمام مربیان ایرانی شد.

مقایسه کارنامه‌ها

سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال در ادامه گفت: الان که تمام دلخوشی مردم ما فوتبال است و این مقوله می‌تواند به جامعه نشاط بدهد چرا مردم را از خوشحالی محروم می‌کنید؟ اسکوچیچ در فوتبال ایران مربیگری کرده و نتایجش کاملاً مشخص است. از نظر فنی، مربیان خیلی بهتری از او داریم. بروید کارنامه اسکوچیچ را با کارنامه مربیان ایرانی مقایسه کنید. انتخاب اسکوچیچ به هیچ عنوان فوتبالی نبوده است. چنین مسائلی در ورزش مازاد است.

صلاحیت من را رد کردند

دایی با بیان اینکه صلاحیتش برای حضور در رأس کادر فنی تیم ملی را وزارت ورزش رد کرده است، گفت: وقتی صلاحیت فردی مثل من را حراست رد می‌کند و نمی‌خواهند من در تیم ملی باشم دیگر نمی‌دانم چه بگویم. البته دلایل این رد صلاحیت را خودم می‌دانم. او در پاسخ به این پرسش که آیا برای هدایت تیم ملی با فدراسیون فوتبال به توافق رسیده بود یا خیر گفت: خیر نفر از اعضای هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال با من صحبت کرده بودند اما توافقی نکردیم. البته مخالف اصلی حضور من در تیم ملی، وزارت ورزش بود. نهادهایی که باید صلاحیت من را تأیید کنند نهادهای اطلاعاتی رسمی کشور هستند که از فدراسیون فوتبال می‌خواهم از این نهادها صلاحیت من را بگیرند. این مسائل دخیل نیست بلکه مسائلی پشت پرده وجود دارد. در اینجا دایی مسائل اتفاق می‌افتد و گذشت زمان همه مسائل را روشن می‌کند. زمانی من از تیم ملی کنار گذاشته و از روز اول گفتم رئیس جمهور من را از تیم ملی کنار گذاشت. چون که او در بازی با عربستان می‌خواست به رختکن تیم ملایید اما من اجازه ندادم. رئیس جمهور چرا باید به رختکن تیم ملی بیاید. پس از این اتفاق من را برکنار کردند. بعدها هم دوستان فدراسیون گفتند رئیس جمهور، علی دایی را برکنار کرد. الان هم مشخص است چه اتفاقی رخ خواهد داد و زمان همه چیز را مشخص می‌کند.

> **حاج صفی: نگران تیم ملی هستم**
> احسان حاج صفی، بازیکن باسابقه تیم ملی درباره انتخاب دراگان اسکوچیچ به عنوان سرمربی تیم ملی می‌گوید: وقتی من انتظارها را می‌بینم برای تیم ملی نگران می‌شوم. طبیعتاً انتخاب آقای اسکوچیچ به معنای عدم شایستگی مربیان دیگر نیست و آن‌ها هم می‌توانستند در این پست باشند اما به نظرم باید این مسائل را کنار گذاشت و به تیم ملی کمک کرد که منفعت همه آدم‌هایی که در فوتبال ایران کار می‌کنند، به صعود ما به جام جهانی گره خورده است.

امروز نخستین مسابقه استقلال در لیگ قهرمانان آسیا

«شهر خودرو» حریف مرموز الهال

امیرمحمد سلطان‌پور: دور گروهی لیگ قهرمانان باشگاه‌های آسیا امروز به صورت رسمی برای نمایندگان ایران آغاز شد و دو تیم شهر خودرو خراسان و استقلال تهران باید در نخستین گام به مصاف حریفان خود بروند.

الهلال عربستان – شهر خودرو

شاید شهر خودرو با حضور در بازی‌های پلی آف لیگ قهرمانان آسیا، به صورت رسمی نخستین حضور نمایندگان خراسان و مشهد در تاریخ بازی‌های باشگاهی آسیایی را استارت زد؛ اما بیش از موفقیت چشمگیر در آن دو بازی، حالا با حضور در خور گروهی می‌توان به معنای واقعی کلمه آن‌ها را یک تیم آسیایی لقب داد. فرار گرفتن شهر خودرو مقابل یکی از بزرگ‌ترین و پرافتخارترین تیم‌های آسیایی یعنی الهلال عربستان نیز میدان مناسب و حدّایی برای نخستین بازی آسیایی نماینده ما خواهد بود. شاگردان مجتبی سرآسیایی شاید آن گونه که باید و شاید از لحاظ مهره و آمادگی در شرایط ۱۰۰ درصدی قرار نداشته باشند اما مسلماً همان گونه که موفق شدند با وجود شرایط عجیب حاکم بر بازی‌های پلی آف در آزمون‌های سخت آن با سربلندی بیرون بیایند در اینجا نیز نمی‌توان از آن‌ها ناامید بود. با این وجود خستگی در سال‌های بازیکنان این تیم قطعی است. آن‌ها در بازی این هفته خود در لیگ برتر که با شکست ۳برصفر مقابل فولاد خوزستان همراه بود به شکل کاملاً واضحی دچار خستگی و عدم تمرکز بودند. مسلماً حضور در دو تورنمنت به صورت همزمان برای باشگاهی مانند شهر خودرو با ترکیبی که در اختیار دارد دشوار خواهد بود و باید دید این تیم تا چه حد می‌خواهد تمرکز خود را بین لیگ برتر و لیگ قهرمانان آسیا تقسیم کند. بازی امروز دو تیم شهر خودرو و الهلال به خاطر تضمینهای که از قبل در کنفدراسیون فوتبال آسیا در مورد تقابل تیم‌های ایرانی و عربستانی در کشور بی‌طرف گرفته شده از ساعت ۱۸:۱۰ در دبی برگزار خواهد شد. نماینده عربستان امروز کاپیتان خود محمد الشلهوب را در اختیار نخواهد داشت. البته این بازیکن با وجود مصدومیت از تمرینات تیم خاکود کرد و بازیکنانی مثل اودارو، کولتار، جیوویتکو، گومیس، کاریو، بانگ هیونگ سو و عمر حربین بیشتر بازیکنان خارجی این تیم هستند که مسلماً هر کدام نقش محوری در میان آبی پوشان ایفا خواهند کرد. از طرف دیگر شهرخودرو خول شانس است که با وجود تقویم فشرده اخیر خود مصدومی برای این بازی ندارد و دست سرآسیایی برای انتخاب بازیکن باز است. جالب است که ببینیم او چه تاکتیکی را برای تقابل با الهلال در پیش می‌گیرد و چه برنامه‌هایی برای کنترل بازیکنانی مثل گومیس دارد. سرآسیایی بهتر از هر کس می‌داند یک نتیجه مثبت در مقابل تیمی مثل الهلال می‌تواند تیمش را برای چند هفته آینده از نظر روحی شارژ کند تا به اهدافی بزرگ‌تر فکر کنند.

الشرطه – استقلال

نخستین تقابل آبی پوشان تهرانی با قهرمان فصل گذشته لیگ عراق پس از ۴۸ سال امشب در نخستین دیدار دور گروهی اتفاق خواهد افتاد. مسلماً فرهاد مجیدی از خطرات رقیب خود آگاه است به خصوص اینکه عراقی‌ها چه در رده ملی و چه باشگاهی همیشه ۱۰۰ درصد توان خود را برای کسب نتیجه در مقابل تیم‌های ایران در میدان می‌گذارند. آخرین بازی دو تیم به سال ۱۳۵۰ می‌گردد یعنی که استقلال یکبار در دور نخست ۳ بر ۲ از الشرطه شکست خورد و بار دیگر در نیمه نهایی ۲ بر صفر مغلوب حریف عراقی خود شد. استقلال هیچ‌گاه برای فقط حضور در دور گروهی در لیگ قهرمانان آسیا حاضر نشده و این بار نیز مسلماً به مراحل بالاتر می‌اندیشد و پیروزی در نخستین گام برای آن‌ها می‌تواند پایه‌ریزی بسیار خوبی برای این هدف باشد.

لازم به ذکر است فردا نیز دو بازی دیگر نمایندگان ایران در آسیا برگزار می‌شود که از ساعت ۱۸:۴۵ الدحیل میزبان پرسپولیس است و قبل از آن از ۱۸:۲۰ سپاهان میهمان العین امارات خواهد بود.

مجیدی: از خستگی بازیکنان نگران هستم

سرمربی استقلال در نشست خبری پیش از دیدار تیمش برابر الشرطه عراق خاطر نشان کرد و به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ داد. فرهاد مجیدی می‌گوید: «ما یک تیم جوان هستیم و بازیکنان ذخیره ما بازیکنان بسیار خوبی هستند. سعی کردم که در مدت حضورم در استقلال کاری کنم که نبود چند بازیکن به تیم ما لطمه نزند. چیزی که سبب نگرانی من شده خستگی بازیکنان است چون بازیکنان در این مدت کوتاه برای‌های سنگینی انجام داده‌اند ولی ان‌شاءالله با توجه به انگیزه بازیکنان فردا یک بازی خیلی خوب را ارائه می‌دهیم».

مربی شهر خودرو: ارزوهای بزرگی داریم

استفانو کوزین، مربی تیم فوتبال شهرخودرو پیش از دیدار تیمش در برابر الهلال گفت: این اولین حضور تیم ما در این تورنمنت بزرگ است و برای همین آرزوهای خیلی بزرگی هم داریم که می‌خواهیم به واقعیت تبدیل کنیم. می‌دانیم که با تیم قدرتمندی بازی داریم، دقیقاً کنیم. الهلال فصل گذشته قهرمان این تورنمنت شده، تیم خیلی خوبی است و بازیکنان بزرگی دارد، اما ما هم تیم خوبی هستیم و بازیکنانمان هم به اندازه الهلال ما داریم، تلاش می کنند به این حد ما دیم تا رویاهایی که پیش از آغاز مرحله پلی آف در سر داشتیم را محقق کنیم.

دیدار ستاره دیروز و ستاره امروز

وقتی خداداد به کلوپ سر توپ می‌زد!

ورزش: روزگاری بورگن کلوپ در قامت یک مدافع، مأمور مهار خداداد عزیزی بود اما دست تقدیر سرنوشت متفاوتی برای این دو رقم زد.

یکی مربی لیورپول است و دیگری داور یک مسابقه تلویزیونی. تماشای عکس‌های ۲۲ سال پیش بازی مایز و کلن در بوندس لیگا شاید برای خود آلمانی‌ها هم جذابیتی نداشته باشد اما به یاد ما می‌آورد که ستارگان ایرانی، چه موقعیت ممتازی در فوتبال اروپا پیدا کرده بودند. موقعیتی که پس از چند سال، رو به افول گذاشت و تعداد ملی پوشان فوتبال ایران به تدریج در لیگ‌های معتبر اروپایی کمتر و کمتر شد.

یورگن مأمور مهار غزال

خداداد که فصل قبل با کلن به دسته پایین‌تر سقوط کرده بود، مجبور بود در سطح دوم بوندس‌لیگا ادامه دهد و اتفاقاً در همین بازی بود که نخستین گل فصل خودش را به ثمر رساند.

در رقابت با مایز، یک مدافع گمنام مأمور مهار ستاره سرعتی ایرانی بود؛ یورگن کلوپ. همان مدافعی که تقریباً تمام دوران فوتبالش را در همین باشگاه گذرانده بود و جالب اینکه ابتدا به عنوان مهاجم کارش را شروع کرده بود اما به مرور متوجه شده بود در خط دفاعی بازیکن بهتری است. این تصویر را به خاطرات سوپر دین محمدی از هم اتاقی بودن با یورگن کلوپ اضافه کنید. روزی که کلوپ مأمور مهار خداداد عزیزی بود.

ستاره بود، ستاره شد

اگر به تاریخ نگاه کنید این تصویر برگردید، جدال یک ستاره آسیایی با یک مدافع گمنام آلمانی را می‌بینیم. خداداد در همان سال‌ها یک ستاره غیرقابل انکار بود اما شهرت یورگن کلوپ از زمانی آغاز شد که کفش‌ها را آویخت. در واقع کلوپ اعتبار فوتبالی‌اش را از مربیگری گرفته و این همان چیزی بود که داستان زندگی کلوپ و خداداد را از هم جدا می‌کند. خداداد پس از پایان فوتبالش، مربیگری در مشهد، اهواز، تبریز و رشت را آزمود و موفقیتی هم عرض دوران فوتبالش نداشت.

اما یورگن در همان مایز شروع به کار کرد و پس از هفت سال راهی دورتموند و لیورپول شد. حالا کلوپ همان مدافع گمنام مایز یکی از مشهورترین مربیان جهان است و خداداد عزیزی ستاره سابق فوتبال آسیا، یکی از صدها مربی شاغل در فوتبال ایران.

منهای فوتبال

رکورد پرش با نیزه جهان شکست

ورزش: در جریان مسابقات پرش با نیزه جهانی «لرماند دیولاتنیس» ورزشکار ۲۰ ساله سوئدی در شهر تورون لهستان با ۶ متر و ۱۷ سانتیمتر پرش، رکورد پرش با نیزه جهان را به نام خود ثبت کرد و قهرمان جهان شد. رکورد قبلی این ماده در اختیار رنو بولیولی از فرانسه بود که در سال ۲۰۱۴ توانسته بود ۶.۱۶ سانتیمتر را به نام خود ثبت کند.

پرداخت معوقات داوران کشتی پس از فوت!

ورزش: جواد کریمی دبیر کمیسیون داوران کشتی کشور با اعلام خبر پرداخت حق الزحمه‌های معوقه به برخی داوران گفت: بخشی از حق الزحمه‌های داوران کشتی از حدود ۱۰ سال پیش تاکنون پرداخت نشده بود که با توجه به اینکه یکی از اهداف اصلی فدراسیون کشتی، پرداخت مطلب داوران به عنوان یکی از زحمتکش‌ترین قشر جامعه کشتی بود، نسبت به پرداخت معوقات ۱۷ داور کشتی اقدام شد. وی ادامه داد: از این ۱۷ داور سه داور فوت شده بودند که با تمامی بازماندگان آن‌ها نسبت به پرداخت مطالبات آن‌ها اقدام شد. همچنین معوقات چهار داور بازنشسته که در شرایط جسمانی خوبی قرار نداشتند نیز پرداخت شد.

قهرمانی برادران عالمیان در تور جهانی اسپانیا

ورزش: تیم دو نفره نوشاد و نیما عالمیان به مقام قهرمانی رقابت‌های تنیس روی میز تور جهانی در اسپانیا دست یافت. رقابت‌های تنیس روی میز تور جهانی در شهر گرانادای اسپانیا پیگیری شد. در فینال بخش دو نفره، تیم دو نفره نوشاد و نیما عالمیان در فینال مقابل تیم کره جنوبی قرار گرفت و با برتری ۳ بر یک مقام این حریف به مقام قهرمانی رسید.

با ۱۰۰ درصد آرا

ابقای رئیس فدراسیون تنیس روی میز

ورزش: مجمع انتخاباتی فدراسیون تنیس روی میز به منظور تعیین رئیس جدید این فدراسیون به ریاست مهدی علی نژاد سرپرست معاونت توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و با حضور فضل الله باقرزاده به عنوان نماینده کمیته ملی المپیک در محل آکادمی ملی المپیک برگزار شد.

مهردادملی فر قائم‌مقام کمیته کیوکی تنها کاندیدای این مجمع انتخاباتی بوند. البته کیوکی پیش از آغاز مجمع با ارسال نامه‌ای انصرافش را اعلام کرد و بدین ترتیب رأی‌گیری تنها با یک کاندیدا انجام شد. در رأی‌گیری انجام شده مهردادملی فر دارنده‌ی موفق شد با کسب ۴۱ رأی از ۴۱ رأی ماخوذه ریاست فدراسیون تنیس روی میز را برعهده بگیرد.

برنامه مرحله دوم لیگ هندبال

ورزش: با پایان بازی‌های مرحله مقدماتی لیگ برتر هندبال و با مشخص شدن تیم‌های صعود کننده به مرحله بعدی، بازی‌های دور دوم از هفته چهارم جاری آغاز خواهد شد. برنامه بازی‌های مرحله دوم به شرح زیر است:

پنجشنبه ۲۴ بهمن ماه، ساعت ۱۶

کمر سرمان – سردیاران سیرجان

سپاهان – زاگرس اسلام آباد غرب

فرازپام خاتم دهدشت – تدبیر آمل

نفت‌وگاز گچساران – نیروی زمینی شهید شاملی کازرون

ورزش در سیما

لیگ قهرمانان آسیا

استقلال – الشرطه عراق

دوشنبه ۲۱ بهمن – ۱۸:۰۰ از شبکه سه

لیگ قهرمانان آسیا

العین – سپاهان

سه‌شنبه ۲۲ بهمن – ۱۵:۳۰ از شبکه ورزش

لیگ قهرمانان آسیا

پرسپولیس – الدحیل

سه‌شنبه ۲۲ بهمن – ۱۸:۴۵ از شبکه سه

«مسی» همچنان پردرآمدترین فوتبالیست جهان

ورزش: مطابق گزارش اکیپ، مسی ۳۲ ساله با درآمد خالص ۸.۳ میلیون یورو در ماه در صدر قهرست قرار دارد و مردّ برتغالی و ۲۵ ساله یووه پس از پیوستن به تورینی به درآمد سال گذشته، با ۸.۴ میلیون یورو در ماه خالص ماهیانه در رده دوم جای گرفت. این در حالی است نیمار که هم‌اکنون بالاتر از «کیلین امباپه» پردرآمدترین بازیکن فوتبال فرانسه محسوب می‌شود، با درآمد ماهانه ۳ میلیون یورو در رده سوم پردرآمدترین بازیکنان سال جاری دارد. پشت سر مسی، رونالدو و نیمار ۲ بازیکن دیگر بارسا یعنی «آنتوان گریزمان» و «لوئیس سوآرز» قرار دارند که درآمد ماهیانه هر ۲ برابر با ۳ میلیون یورو است پس از آن‌ها نیز «گرت بیل» و «لدن هازارد» با دستمزد خالص ماهیانه ۲.۵ میلیون یورو جای دارند.

سرمربی بولدار

درخش پرترافمترین سرمربی هانیز «دیگوسیمئونه» سرمربی اتلتیکو مادرید با درآمد خالص ماهیانه ۳.۶ میلیون یورو همچنان صدرنشین است و این در حالی است که «پپ گواردیولا» با اختلافی فاحش و درآمد ۱.۹۴ میلیون یورو در رده دوم قرار دارد. «یورگن کلوپ» و «خوزه مورینیو» نیز به طور مشترک با درآمد ماهیانه ۱.۹۶ میلیون یورو در رده سوم و چهارم قرار دارند و «زین الدین زیدان» نیز با ۱.۹۱ میلیون یورو در جایگاه پنجم نشسته است. «آنتونیو کونته» با کمی اختلاف نسبت به زیدان با ۱.۳۸ میلیون یورو در جایگاه بعدی ایستاد. «کیکه ستین» سرمربی تازه وارد دیاسپورا نیز با درآمد خالص ۰.۵۰ هزار یورو در ماه ردههای پایینی فهرست را به خود اختصاص داد.

لیگ برتر بسکتبال کشور

گرگانی‌ها به دنبال امتیاز نفت در آبادان

علی عبدا حد: در حالی که دور مقدماتی لیگ برتر بسکتبال باشگاههای کشورمان در هفته بیست‌وششم پس از تقابل ۱۳ تیم حاضر در مسابقات امروز پایان می‌گیرد تیم‌هایی که بازی‌های کامل دارند در جدول مسابقات باید منتظر بازی‌های معوقه تیم‌های سپاهان مهرام تهران، کاسون تهران، شهرداری بندرعباس، شهرداری بندرانزلی و قزوین، پتروشیمی بندر امام، شیمیدر قزو و شهرداری گرگان بمانند تا جایگاه تاب تیم‌ها در جدول پایانی دور مقدماتی و نیز موقعیت تیمی هشت تیم مرحله پلی آف، تعیین و تعریف شود.

مهیج‌ترین بازی در آبادان

در حساس‌ترین و مهیج‌ترین بازی‌های هفته پایانی پلایش نفت در آبادان میزبان تیم صدر جدولی شهرداری گرگان است. نفتی‌ها با یک بازی بیشتر از شهرداری گرگان، در مکان دوم جدول قرار دارد. (نفت آبادان در دور رفت ۶۱-۵۲ شهرداری را در گرگان شکست داده) اکسون مرکب قوی با شیمیدر بازی می‌کند. شیمیدر در جدول فعلی ششم و اکسون هفتم هستند و بازی رفت را شیمیدر در تهران ۷۳-۶۸ اکسون را برده‌اند. سرمربی تیم پلایش نفت آبادان گفت: اگر ما می‌خواهیم در رده دوم جدول لیگ برتر بمانیم، دیدار مقابل شهرداری گرگان برای ما حکم مرگ و زندگی دارد.

کارآمدترین شکفتی سازان

تیم ارزشمند مشهد که در حال حاضر حتی برای صدر جدولی‌ها رقیب و تهدیدکننده است، در هشتم برابر پایین جدولی صنعت مس کرمان است. کرمانی‌ها در رفت ۷۰ بر ۶۰ مقابل مشهدی‌ها پیروز شده‌اند. امامشهد مس امروز در مشهد روز سخت و پرفشاری خواهد داشت. پتروشیمی بندر امام(ره) (سوم جدول) میهمان شهرداری بندرعباس است. بندرعباسی‌ها که با دو بازی کمتر و معوقه تا ردیف هفتم جدول بالا آمده‌اند تلاش می‌کنند در جمع هشت تیم پلی آف حضور داشته باشند. (تیم میزبان بازی رفت ۸۸-۸۰ به پتروشیمی باخته است. ذوب آهن اصفهان (نهم جدول) که فصل موفقی نداشته است هنوز چشم‌امید به پلی آف دارد و در اصفهان با شورا و شهرداری قزوین بازی می‌کند. (دورف اصفهان ۷۳- قزوین ۶۳). مهرام تهران که بازی‌های برافت و خیزی داشته است در جدول فعلی (با دو بازی کمتر) در مکان پنجم جدول است. و در شهر کرد با رعد بدافند بازی دارد. شهر کردی‌ها با وجود اینکه دو بازی کمتر دارند (۲۹ امتیاز)، جایی در پلی آف نخواهند داشت.

برنامه دیدارهای هفته بیست و ششم لیگ برتر بسکتبال دوشنبه ۹۸/۱۱/۲۱

پلایش نفت آبادان – شهرداری گرگان ساعت ۱۶

شیمیدر قم – اکسون تهران ساعت ۱۶

ذوب آهن اصفهان – شورا و شهرداری قزوین ساعت ۱۶

رعد بدافند شهرکرد – مهرام تهران ساعت ۱۶

آویژه صنعت یارسا مشهد – صنعت مس کرمان ساعت ۱۶

آگهی مفقودی

برگ سبز خودروی ۱۳۱۵SL مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید به شماره انتظامی ۴۶ایران ۲۱۱ به شماره موتور 4753029 و شماره شاسی S1412291168315 به مالکیت خسرو کلاهی اصری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودروی پراید مدل ۱۳۸۸ رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۴۶ ایران ۸۲ به شماره موتور 2998810 و شماره شاسی S1422288088659 به مالکیت محمد پرستار طوسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

کپی پول به همراه محتویات ومدارک اینجانب اسماعیل میرمحمدیه فرزند علی اکبر شامل کارت ملی بشماره ۴۵۷۸۷۵۷۳۱۵ ،کارت شناسایی بانک رفاه بشماره پرسنلی ۱۰۰۰۲۰ ،گواهینامه پایه دوم، کارتهای هوشمند سوخت خودروهای پژو ۲۰۶ مدل ۸۵ و سونتا وای اف ۲۰۱۴ مدل ۲۰۱۴ و موتورسیکلت cc125 احسان، بیمه نامه ماشین ۲۰۶ (بیمه دانا) بشماره بیمه نامه ۹۴/۹۸/۹۱۶۷/۲۰۱ تاریخ اعتبار ۹۸/۸/۱ تا ۹۹/۸/۱ کارت ماشین ۲۰۶ بشماره موتور ۱۳۰۸۵۰۲۵۲۸۱ و شماره شاسی ۱۰۸۴۸۶۶۹ وکارت موتورسیکلت و معاینه فنی cc125 بشماره موتور Nyw193566 وشماره شاسی N2N125GG8921441 وکارت عابر بانک رفاه ۴ عدد وکارت عابر بانکهای صادرات و کشاورزی و سرمایه و قرض الحسنه مهر ایران و مسکن و سایر مدارک، مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی تغییرات شرکت نیان الکترونیک شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۵۳۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۲۰۳۹۱۰۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۹۸.۰۸.۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دایا رهیافت به شماره ملی ۱۰۳۸۰۰۷۶۶۴۰ به عنوان بازرس اصلی و آقای شهید کمالی فهیم به شماره ملی ۰۵۱۱۰۹۶۸۰

یادداشت

معین عارفی
annotation@qudsonline.ir

نگاهی به سه فیلم «لباس‌شخصی»، « آبادان یازده ۶۰» و « روز بلوا»

علیه حزب جاسوسان
لباس‌شخصی /امیرعباس ربیعی

یک روایت تاریخی بکر و مهیج، با فرمی قابل‌قبول و بالاتر از یک فیلمساز فیلم‌اولی. فیلمسازی که در فیلمش نه اهل اداست و نه ادعا و صرفاً درگیر مسئله و دغدغه مهم قصه‌اش که پشتوانه پژوهشی قوی هم دارد. تمرکزش بر روایت درست قصه‌اش اســـت و درگیرکردن مخاطب با آن. این فیلم نزدیک به دوســـاعت ما را به دهه پرالتهاب ۶۰ می‌برد، وســـط قصه یک جاسوسی بزرگ. داستان نیروهای اطلاعاتی سپاه که از حزب توده کوچک به کشف نفوذ بزرگ می‌رسند. قهرمان فیلم نیروی تازه‌کاری است که برای رصد و تحلیل حزب توده به نیروهای اطلاعات سپاه می‌پیوندد، نیروهایی که همه اهل اطلاعات و عملیات هستند. در فیلم شاهد درگیری قهرمان فیلم با دو جبهه هستیم یکی همکاران اطلاعاتی‌اش که فقط مدارک را می‌شناسند و میانه‌ای با تحلیل ندارند و دوم اعضای مرموز، تودار و حیله‌گر حزب توده که ظاهراً با انقلاب هستند و طرفدار امام، اما در باطن مشغول اجرای عملیاتی پیچیده هستند. درگیری قهرمان با همکارانش توانسته داستان را جذاب کند، ولی ضعف در فیلم‌نامه و شخصیت‌پردازی بیشتر از قهرمان نیرویی خودسر آفریده که در بعضی جاها ما نیز دلیل حمایت و توجه فرماندهش از او را درک نمی‌کنیم. همین ضعف در ضدقهرمانان فیلم، یعنی اعضای حزب توده و به‌خصوص شخصیت کیانوری وارد است، ما در اندازه قهرمان از ضدقهرمان دانش نداریم و کنش نمی‌بینیم، نه توده را می‌شناسیم و نه اعضایش را. فیلمساز در بسیاری جاها به سرعت از ماجرا رد می‌شود –مثلاً ماجرای دختر کیانوری- و در بسیار جاها تعلل اضافی دارد مانند سکانس بازجویی یکی از اعضای توده. انگیزه و دلایل قهرمان فیلم برای پافشاری بر موضع خود در داستان ناکافی است و موجب تقویت تصویر خودسر از او در داستان می‌شود. پیرنگ فرعی انگیزه خانوادگی او نیز در داستان ابتر و ناکافی است و صرفاً به تعویض پیراهن او به مشکی فرو کاسته می‌شود. فیلم در دقایق آغازین در حال ورود به فضای شعاری و کلیشـــه‌ای است که خوشبختانه خیلی سریع از آن رد شده و بیننده درگیر تریلرسیاســـی جذابی می‌شود که هرلحظه بر تعلیق و جذابیتش افزوده می‌شـــود. طراحی صحنه و بازی‌های بازیگران –که تقریباً همگی سینماولی هستند-در فیلم قابل‌قبول و باورپذیر است. دیالوگ آخر فیلم و امتداد ماجرا در لباس‌شخصی‌ها هم فیلم را وصل به امروز می‌کند و امکان ساخت قسمت بعدی را به فیلمساز می‌دهد. «لباس‌شخصی» امیرعباس ربیعی همچون نامش جذاب اســـت و فیلمی دیدنی برای شنیدن قصه خیانت حزب جاسوسان.

سوژه خوب، پرداخت بد
آبادان یازده ۶۰ / مهرداد خوشبخت

عجب سوژه بکری داشت این فیلم و چه حیف که فقط همین سوژه بکر را داشت این فیلم. برای نقد این فیلم همین جمله‌ای که عرض شد کفایت می‌کند و می‌توان با گذاشتن یک نقطه به نوشتن درباره آن پایان داد، اما برای آنکه قصه روشن‌تر بشود فیلمی داریم که قصه آن درباره فعالیت رادیو محلی آبادان در روزهای آغازین جنگ و اشغال خرمشهر است. کارکنان رادیو محلی آبادان با وجود خطر ســـقوط شـــهر آبادان و زیر بارش تیر و خمپاره تصمیم می‌گیرند این رادیو را برقرار نگه داشته و از آن برای اطلاع-رسانی و کمک به مقاومت مردم بهره بگیرند. ماجرایی واقعی از ناگفته‌های دراماتیک و متفاوت دفاع‌مقدس. در فیلم مدیر رادیو و گروهش را می‌بینیم که با راه‌اندازی رادیو با کسب خبر از منابع مختلف و با سختی‌های زیاد رادیو را برقرار نگه می‌دارند و سرانجام به وسیله آن اسبابی برای حماسه مردمی کوی ذوالفقاری آبادان می‌شـــوند. ضعف اصلی در عدم پرداخت این ماجرا در دل فیلم‌نامه از طریق شخصیت‌پردازی و همچنین دراماتیزه کردن واقعه است، گویی نویسنده نیز مبهوت این ایده جذاب شده و آن را شرط کافی برای موفقیت فیلم‌نامه می‌دانسته است. ما از کارکنان رادیو به‌جز تک پاراگراف‌های کلی تقریباً چیزی نمی‌دانیم. شخصیت‌ها بسیار ســـطحی معرفی شده‌اند و ضعف مهم‌تر خود مسئله رادیو و مردم است. رادیویی که قرار اســـت صدای امید و مقاومت برای مردم باشد، عملاً در فیلم کنشـــی با مردم ندارد، ما به جز در دیالوگ‌ها متوجه کارکرد واقعی این رادیو نمی‌شویم، برای همین اهمیتش را از طریق حس درنمی‌یابیم. مردمی نمی‌بینیم که گوششان به رادیو باشد و منتظر برنامه‌هایش –به‌جز آن پیرمرد و پیرزنی که گویی در شـــهر به‌جز آن‌ها کسی نیست- زدن گره اصلی پایانی فیلم باز به قصه تیر و تفنگ از عدم ســـاخت و پرداخت این کارکرد رادیو می‌آید، کارکردی که نبودش موجب کاهش تأثیرگذاری همین پایان نیز می‌شود. استفاده از فیلم‌های واقعی آبادان در فیلم ایده خوبی است که متأسفانه در اجرا هدر شده و گویی کارکرد آن صرفاً کاهش هزینه تولید و شانه خالی‌کردن از طراحی صحنه بوده است. «آبادان یازده ۶۰ »از نظر کارگردانی و فیلم‌نامه اثر ضعیفی است، اما به واسطه پرداختن به سوژه‌ای جذاب می‌توان آن را برای دیدن توصیه کرد.

بیانیه‌ای علیه حواس‌پرتی
روز بلوا/ بهروز شعیبی

پس از دیدن فیلم شاید فکر کنیم بهروز شعیبی که این فیلم را ساخته اســـت با شعیبی که سیانور و دهلیز را ساخته، فرق می‌کند. پرداختن به قصه مفاسد اقتصادی، مؤسسات خیریه‌ای که پولشویی می‌کنند، دلارهایی که یک شبه بالا می‌روند، طلبه‌هایی که سوزوکی سوار می‌شوند، مؤسسات قرض‌الحســـنه‌ای که پول مردم را بالا می‌کشند، بیمه‌هایی که برای کم کردن نرخ دیه شتر وارد می‌کنند، کارخانه‌هایی که مفت خری می‌شوند و زمین‌هایـــی که غیرقانونی تغییر کاربـــری می‌دهند، قطعاً موضوعات جذاب و مهمی هســـتند و پرداختن به آن‌ها جسارت می‌خواهد، اما اگر همه این‌ها را در یک فیلم، آن هم فیلمی که قصه درست‌وحســـابی نیز ندارد بریزم، ببینید چه بلوایی می‌شود. فیلمی مثل «روز بلوا»، حتی اگر کارگردان قاب‌های فیلمش را خلاف آمد عادت ببندد و قهرمان فیلمش را در گوشه کادر خفت کند، باز مسئله‌ای حل نمی‌شود. فیلم قصه عماد است، طلبه‌جوانی که گوشی همراه ۲۰میلیون تومانی می‌خرد و ماشین چندصد میلیون تومانی سوار می‌شود، اما حواسش نیست این پول‌ها را چگونه به دست آورده است. حواسش پرت است که خود و برادرش چگونه از آب‌غوره‌فروشی به کارخانه‌فروشی رسیده‌اند. فیلمساز نیز حواسش پرت است همه این‌ها یک منطق درست‌درمان می‌خواهد و یک طرح مسئله درست و فکر نکند مخاطب حواسش پرت است که اگر نیمی از فیلمش بیانیه‌خوانی علیه همه مفاسد اقتصادی باشد و نیمه دیگر یک کاریکاتور از فیلم حسابی «زیر نور ماه» و زیر پل معروفش، فکر کند فیلم سینمایی از بهروز شعیبی دیده است. ما منتظر فیلم شعیبی درباره مفاسد اقتصادی خواهیم ماند، فیلمی با یک قصه حسابی و یک کارگردانی حسابی‌تر.

نگاهی به فیلم‌های «خروج» و «روز بلوا»

فرزند زمانه خویش

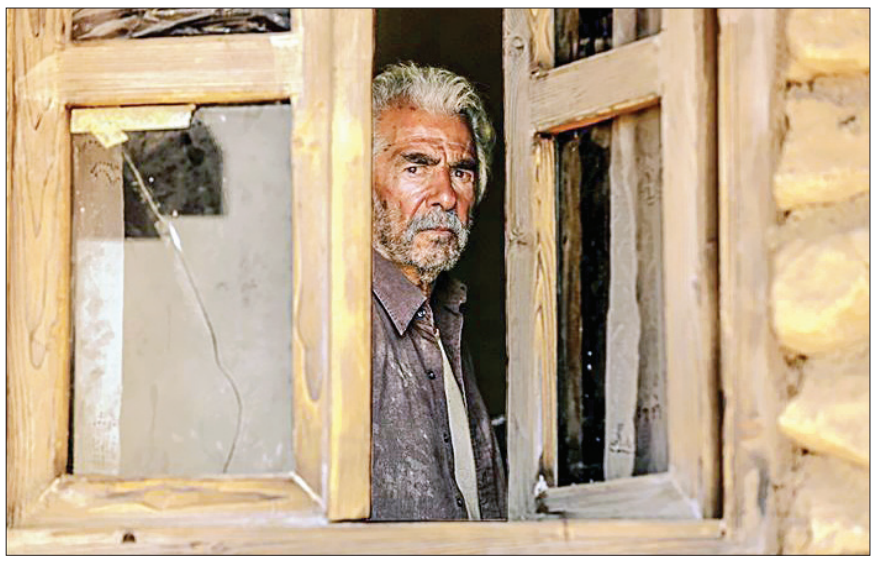

سیما و سینما/ محمدمهدی خالقی

خروج– ابراهیم حاتمی‌کیا

۱.حاتمی‌کیا مرد شناخته شده سینمای ایران است و در این سن و ســـال و با همه فیلم‌هایی که ساخته زاویه شخصیتی یا هنری پنهانی ندارد. علاقه‌اش در سینما وسترن است. قهرمان‌های تنها و حاتمی‌کیایی. اینجا درخروج هم رحمت تنهاست، اما نه تنهای تنها به شکل عجیبی یک سگ با اوست و این پرسش که چرا سگ با رحمت است، اما در سفر همراه او نمی‌رود؟ حاتمی‌کیا سال‌هاست وسترن می‌سازد و بیشتر قهرمان‌های آثارش از همین الگو پیروی می‌کنند. به این دلیل حاتمی‌کیا را نباید رئالیســـتی قضاوت کرد. قهرمان‌ها، قصه و درونمایه خروج سوررئال است. نوعی فراواقع‌گرایی به معنای گرایش به ماورای واقعیت یا در حقیقت یک واقعیت برتر؛ حتی اگر قصه متکی به واقعیت باشـــد. با چشم رئالیسم بسیاری سؤالات بی‌جواب درباره فیلم به وجود می‌آید. چرا رحمت تنهاست؟ پنبه از نظر جغرافیایی در کجای کشـــور کشت می‌شود؟ آیا تردد تراکتور در بزرگراه‌ها ممنوع نیســـت؟ چرا پلیس یا دیگر نهادهای امنیتی زودتر ســـراغ کاروان نمی‌روند؟ انتهای کار کشـــاورزان در ماجرای واقعی همین است که در خروج هست؟ و بسیاری سؤالات دیگر. اما با سوررئالیسم دیگر لازم نیست وارد حاشیه‌ها شویم. در این صورت نمادهای حاتمی‌کیایی هم آن‌طور که رفقا می‌گویند گل درشت معلوم نمی‌شود. رحمت، عدل‌آباد، پنبه، تلخ آب، مهربانو و ... همه در این جهان معنایی مورد پذیرش پیدا می‌کنند.

۲.شاید بهترین جمله‌ای که بتوان به عنوان تم‌اصلی خروج نوشت این باشـــد –این سلیقه حقیر است - «مردم شهید داده، هنوز با انقلاب‌اند». خروج توانســـته به طور نسبی این درونمایه را در یک قصه کلاسیک و ساده به تصویر بکشد. آن هم در این سال وانفسا که مجموعه‌ای از عوامل موجب سرخوردگی و واکنش‌های مردمی شد. البته شاید خروج این طور وانمود کند که حاتمی‌کیا از مسئولان ناامید است، اما نه به اندازه گزارش یک جشن و این را قبول ندارم که حاتمی‌کیا از نظام ناامید اســـت. نماد مسئولان در فیلم مشاور آشـــنای رئیس‌جمهور است. یک فربه دغل‌باز که از قضا این یکی کاملاً رئال است. اما دیگر نمادهای فیلم یعنی دفاع‌مقدس، شهید، زیارت و ... نشان از اعتقاد عمیق حاتمی‌کیا دارد.

۳.خروج درباره یکی از پدیده‌های اجتماعی سال‌های اخیر کشور است. اعتراض‌های مردمی به مشکلات معیشتی. از این نظر خروج واکنشی به‌هنگام به تحولات روزجامعه است و مردم می‌توانند خود را آینه‌وار در آن ببینند. اگر سینما نتواند نسبت به دردهای مردم واکنش به موقع و متناسب داشته باشد، پس به چه درد می‌خورد؟ از ایـــن نظر هنوز حاتمی‌کیا به جمله «مـــن فرزند زمانه خویش هستم» وفادار است.

۴.شـــاید مسئله‌ای که محل مناقشه باشـــد، بحث بر سر مسائل فرمی خروج اســـت. از فیلم‌نامه که پر اشکال است و پس از نقطه عطف‌اول از تکاپو می‌افتد، تا حتی کارگردانی و میزانسن‌ها تا بازی که کم‌نقص‌ترین بخش خروج اســـت. اما این یک بحث سرکاری است. استاد حاتمی‌کیا حالا ۵۸ ساله‌اند و شاید در سال‌های انتهایی فیلم‌سازی به سر برند –هرچند ما آرزو داریم ایشان همچنان فیلم بسازند –اما من عقیده دارم سینما یکی از مشاغل بازنشستگی‌بردار است. یعنی امکان ندارد کسی در سنین بالا مثل یک جوان فیلم بســـازد هر چند تجربه‌اش بیشتر باشد. به این شکل خروج از نظر مسائل فرمی سینما، فیلمی قابل‌قبول، قابل‌دیدن و لذت‌بردن است، اما مقایسه‌اش با مثلاً آژانس شیشه‌ای بسیار غلط است.

روز بلوا– بهروز شعیبی

روز بلوا یک کار متوسط است از یک فیلمساز دوست‌داشتنی و باز یک فیلم به‌روز است. یک واکنش سینمایی به سونامی تعاونی‌های اعتباری که بخشـــی از اقتصاد بیمار ما را با خود برد و یک هشدار بـــزرگ و جدی به روحانیت، از بـــاب زیّ‌طلبگی. جایی که عماد مهم‌ترین دیالوگ فیلم را به همسرش می‌گوید:« ما جایی باختیم که زندگیمون شـــده این » هشداری که رهبر انقلاب با بازداشتن بستگانشان از فعالیت اقتصادی از سال‌ها قبل داده بودند و بسیاری آن را نادیده گرفتند. با همه این‌ها یعنی نقادانه‌بودن، گزنده‌بودن و هشـــداردهنده بودن، روز بلوا یک نقد درون‌گفتمانی به حساب می‌آید، نقدی به قصد اصلاح و از سر دلسوزی. قهرمانی که در زمانی درست، درست می‌فهمد که راه را اشتباه آمده و یک تصمیم بهنگام می‌گیرد. او شروع به فروش اموالش می‌کند تا هم کنار مردم باشد و هم از جایی که زندگی‌اش را باخته، بازگردد. البته بخش مهمی از نتایج عماد وابسته به یک پیرطریقت است. یک مشاور امین که نخ عماد را به بالا وصل نگه می‌دارد. عموی آبلیموفروش که در حدود نقطه عطف دوم و در جواب عماد که می‌گوید از آبرویم می‌ترسم، باز یک دیالوگ کلیدی می‌گوید: «از حق مردم بترس، آبرو دست خداست» مجموعه این تحول تدریجی موجب می‌شود که عماد در ســـکانس پایانی اطلاعات فعالیت‌های خودش را هم تســـلیم قانون کند. همین جا باز فیلم نقش هشداردهندگی‌اش را فراموش نمی‌کند. مسئول پرونده می‌گوید: «فرضاً پول مردم رو برگردوندیم. اعتمادشون رو چکار می‌کنیم؟» و این نقطه پایان، شروعی دوباره است که مخاطب می‌تواند آن را برای خود ترسیم کند.

از نظر فرم روز بلوا در فیلم‌نامه ضعف‌های فاحشی دارد. درست در میانه و سکانس کارخانه متروک یک گره‌گشایی ناگهانی ادامه قصه را خراب می‌کند و بخش مهمی از جذابیت فیلم از دست می‌رود. اما از نظر کارگردانی این فیلم یک قدم رو به جلو در سبک کارگردانی شـــعیبی است. پایبندی به میزانسن فضای منفی در طول فیلم و گرفتن قاب‌هایی با این روش و تداعی معلق بودن با این میزانسن به خوبی انجام گرفته و نشـــان می‌دهد شعیبی هنوز آثار بزرگ و چشمنوازی در پیش خواهد داشت.

گزارش

درباره حواشی فیلم‌های غیرفارسی‌زبان در جشنواره فجر

«زبان اصلی» زبان جهان فیلم است

سیما و ســـینما/ زهره کهندل

یکی از نکات مهم در آثار جشنواره فیلم فجر امسال توجه فیلم‌سازان به اقلیم‌های مختلف ایـــران بود به طوری که ردپایی از بوم‌های شـــرق، غرب، جنوب و شـــمال ایران در فیلم‌ها دیده می‌شـــد. قصه‌های بسیاری در دل زیســـت‌بوم اقـــوام ایرانی نهفته اســـت، قصه‌های جذابی که با لوکیشـــن‌های چشمنواز، دســـت فیلمســـاز را در فضاسازی و پرداخـــت فیلم بازمی‌گـــذارد. نیکی کریمـــی در «آتابای» از ظرفیت‌های شمال غرب ایران برای فیلم جدیدش استفاده کرد و توانست قاب‌های زیبایی را در لوکیشن کوهستانی آن منطقه ثبت کنـــد. در واقع فضای آن منطقه ظرفیت‌های بصری بالایی برای فیلمسازی دارد که کریمی در تجربه جدیدش تلاش کرده از آن‌ها بهره ببرد. مرتضی فرشـــباف نیـــز که زاده گنبدکاووس است و شـــناخت خوبی از منطقه ترکمن‌صحرا و عادات و رفتار مردمانـــش دارد، در فیلم «تومان» به طبیعت بکر شمال‌شـــرق ایران پناه برده است.

محمدحســـین مهدویان هم فیلم «درخت گـــردو» را در اقلیم وحشـــی و زیبای کردستان ســـاخته که روایتگر داستانی واقعی از غمی ســـنگین در تاریخ معاصر ایران است. مهرداد خوشبخت که خودش بچه جنوب اســـت، فیلم «آبادان یـــازده ۶۰» را در زادگاهش فیلم‌برداری کرده است. بهمن ارک و بهرام ارک هم که جزو فیلم‌اولی‌های جشنواره امسال بودند، فیلمی در ژانر وحشت و برگرفته از افســـانه‌های بومی و کهن ایرانی ساختند که فضای آن در روستایی از توابع آذربایجان شرقی می‌گذرد.

اقلیم و زیســـت‌بوم در این آثار، خط پررنگی دارد و قاب‌ها الزاماً در نماهای بســـته گرفته نشده است. طراحی صحنه و لباس در این مناطق که متناســـب با بوم و جهان فیلم باشـــد، کار آسانی نیســـت. نکته مهم دیگر در ســـاخت این آثار علاوه بر توجه به عادات و رفتار مردم بومـــی آن منطقه که قطعاً فرهنگ و رفتار پایتخت‌نشین‌ها را ندارند، زبان یا لهجه شخصیت‌های فیلم است. در شـــهرهایی که مردم زبانی غیرازفارســـی دارنـــد اعم از ترکی، کردی، لری، ترکمن و عربی، فارســـی صحبت کردن مردم آنجا با شهرهایی که لهجه دارند، بسیار متفاوت است. مثلاً ترک‌های بومی یا کردهای بومی که ســـال‌ها در منطقه خودشان زندگی کرده‌اند و الزامی به فارســـی صحبت کردن نداشتند، فارسی را به سختی صحبـــت می‌کنند. همان طور که قادر در فیلم «درخت گردو» به وقت فارسی حرف زدن چندان مفهوم و سلیس صحبت نمی‌کند و دیالوگ‌های ابتدایی فیلم که به زبان کردی و با زیرنویس است، برای مخاطب آزاردهنده و مزاحم نیســـت. در فیلم «پوست» هم تمام فیلم به زبان ترکی و زیرنویس اســـت کـــه اتفاقاً با توجه به فضای دلهره‌آور فیلم که افسانه‌های بومی را از دل مردمانش بیرون کشیده، بومی صحبت کردن بازیگران، فیلم را به مرزهای واقعیت نزدیک‌تر می‌کند.

هادی حجازی‌فر هم در فیلـــم «آتابای» که علاوه بر بازیگری، نویســـندگی ایده کارگردان را برعهده دارد، به دلیل تسلطش به زبان ترکی، نه فقط دیالوگ‌ها که فضای فیلم را متناســـب با بوم آن منطقه درآورده اســـت. در نشست‌خبری فیلم «آتابای» یکی از پرسش‌ها درباره زبان فیلم و اعتراض به آن بود که این اعتراض موجب شـــد حجازی‌فر از کوره دربـــرود و گمان ببرد که توهین به زبان ترکی شـــده اســـت. کاری به لحن یا غرض پرسشـــگر نداریم که پرســـیده بود چرا در یک فیلم فارسی از زبان غیرفارسی استفاده شده است، این پرسش از اساس دچار اشکال اســـت، زیرا جهان فیلم و زیست‌بوم فیلم، زبان فیلم را تعیین می‌کند. فیلمی که در منطقه ترک‌نشین یا کردنشین با فضا و روایتی بومی ســـاخته می‌شود مگر می‌تواند زبان‌فارسی داشـــته باشـــد؟ مگر مردم آن منطقه با هم به زبان‌فارســـی صحبـــت می‌کنند؟ مگـــر زیرنویس شـــدن دیالوگ‌ها جزو ضعف‌هـــای یک فیلم به شـــمار مـــی‌رود؟ اینکه بازیگری بتواند زبان بومی یک منطقه را به درســـتی صحبت کند به طوری که فضای فیلم از یکدستی خارج نشود، جزو امتیازات آن فیلم و توانمندی بازیگر به شمار می‌رود نه ضعفش. اتفاقاً یکی از نقاط ضعف«تومان» تلاش شخصیت‌های ترکمن فیلم برای فارسی صحبت کردن بود که لهجه‌هایشـــان تهرانی از آب درآمد تا لهجه ترکمنی که بناســـت فارسی حرف بزنند.

بازیگر نقـــش زن فیلم که پردیـــس احمدیه ایفاگر آن بـــود، به جز لبـــاس ترکمنی هیچ نشـــانه‌ای از یک دختر ترکمن نداشـــت و لهجه تهرانی‌اش توی ذوق می‌زد. بازیگران اصلی فیلم فرشـــباف، ترکمن نبودند و شـــاید راحت‌ترین کار ممکن برای کارگردان، فارســـی حـــرف زدن آن‌ها بود تا اینکه قرار باشـــد ترکمنی صحبت کنند و زیرنویس شود. اگرچه در فارسی صحبت کردن هم لهجه بازیگران کاملاً گیج می‌زد و در صحنه‌هایی فارسی را با لهجه تهرانی صحبت می‌کردند تا لهجه یک غیرفارســـی زبان. شاید یکی از دلایل اعتراض به فیلم‌های غیرفارسی زبان این دوره از جشـــنواره را کم‌کاری فیلم‌سازان دانســـت، آن‌قدر فیلـــم ایرانی به زبان اقلیم‌هـــای مختلف کم ساخته شده که ســـاخت فیلم‌هایی به زبان‌های بومی، صدای اعتراض عده‌ای را بلند می‌کند، یعنی یک امر طبیعی و معمول در جهان فیلم برایشان غیرمعمول به نظر می‌رسد.

چهره خبر

شهاب‌حسینی:

مشکلات ما به دست خارجی‌ها حل نمی‌شود

سیما و سینما: شهاب حسینی با بیان اینکه تحریم جشنواره راه درستی نیست و اگر ادعا داریم صدای مردم هستیم، قهر کردن چاره کار نیست، گفت: ما دم از دموکراسی می‌زنیم، اما نمی‌توانیم حرفمان را بزنیم.

شهاب حسینی که با فیلم «شین» در بخش نگاه نو جشنواره فجر حضور دارد با شـــرکت در نشســـت خبـــری این فیلم، پرحاشـــیه‌ترین اتفاق جشـــنواره را رقم زد. این بازیگر درباره مسعود کیمیایی که جشنواره را تحریم کرده بود، گفت: من برنمی‌تابم و نمی‌توانم ساکت بشینم که یک استاد پیشکسوت ســـینما که هر ســـال برخورد ناراحت‌کننده با آثارش شده، امســـال فیلمی می‌سازد که می‌داند نسبت به آن هم واکنش منفی نشـــان خواهند داد و برای همین روغن ریخته را نظر امامزاده می‌کند و ســـنگ‌بنایی می‌گـــذارد که نتیجه آن جز تفرقه‌افکنی نیست و بقیه را در آمپاس اخلاقی می‌گذارد. این عین بی‌انصافی است. چرا یک نفر باید آن‌قدر آدم خودخواهی باشد که ملاحظه هیچ‌کس را نکند. اینکه به من می‌گویند به خاطر حمایتت از جشنواره فجر به شما امتیاز ویژه داده شده تا فیلمت در خارج از مسابقه اکران شود، می‌گویم خیر این طور نیســـت ما آدم‌های مدنی هستیم و سعی می‌کنیم از حقوق قانونی خود دفاع کنیم.

شهاب حسینی درباره قربانیان سقوط هواپیمای اوکراینی گفت: اگر ۱۷۶عزیز را در سانحه از دست دادیم و این اتفاق وحشتناک رخ داده و اینکه این موضوع را ســـر یکسری نخبه دیگر خالی کنیم، شد راه‌حل؟ من همیشه به خاطر احترام به مخاطب با همکارانم درگیر شده‌ام که هر مزخرفی را به عنوان فیلم نسازید و تحویل مخاطب ندهید. من حرفـــم را زده‌ام. از همان موقع که مصاحبه کردم، خط فکری من مشـــخص بوده است. من سال‌هاســـت این حرف‌ها را زده‌ام، اما ما که دم از دموکراسی می‌زنیم نمی‌توانیم حرفمان را راحت بزنیم. این دیگر مشکل من نیست، مشکل جامعه است. این بازیگر ادامه داد: آدم باید برای رضای‌خدا حرف بزند، نه کس دیگر. باز هم رویکردمان را ادامه می‌دهیم.

بـــرای روحانی نامه‌ای مبنی بر رفع ممنوعیت بهروز وثوقی نوشتم حیف که نمی‌شود بشـــنویم چگونه او تجربه کرده و در این ۴۰ ســـال چه ســـیری می‌کند که در نامه آخر از ایمان‌قلبـــی به خدا حرف می‌زنـــد. در همه جای دنیا خدا حضور دارد و مختص به ما نیست. حسینی در ادامه اظهار کرد: من با فیلم‌سازان جوان کار می‌کنم. فجر سقف آرزوهای من نیست، کارهایی که در آن طرف انجام می‌دهم خدمتی به فرهنگ کشـــورمان اســـت. اگر با دنیرو حرف می‌زنیم فقط به خاطر فرهنگ ماســـت، کارم همین است و این را بلدم. اعتراض من نوع خودش را دارد. در مصاحبه‌ای گفتم مردم اگر صدای رسایی داشته باشند و از تریبون برخوردار باشند، نیازی نیست به خیابان بروند و با هزینه‌های سنگین فریاد بزنند. صدایی که شـــنیده نشود بلندتر می‌شود. اگر هنرمندیـــم و ادعا داریم، صدای مردم باشـــیم و هزینه‌ها را کم کنیم، قهر کردن راه چاره نیســـت. با نیامدن شـــما چه می‌شـــود، من بمیرم، دنیا آخ نمی‌گوید. مشکلات ما با هیچ دســـتی از خارج از کشور حل نمی‌شود، مشکل را در درون خودمان باید حل کنیم. هیچ‌کس ازخارج از کشـــور نمی‌آید مشـــکلات ما را حل کند. شهاب حسینی در پاسخ به پرســـش خبرنگار دیگری کـــه از اعتقادات مذهبی او و کیفیت حضورش در رویدادهای سینمایی جهان پرسیده بود، عنوان کرد: ایمان با مذهب فرق می‌کند، ایمان منش و مذهب روش اســـت. در جشـــنواره کن نمی‌شود درباره امام‌زمان(عج) صحبت کرد. این چه سفســـطه‌ای اســـت؟ آن‌ها درکی از آن موضوع ندارند. در کن من پیش‌زمینه‌ای درباره اتفاقات نداشتم. از اینکه همکاران می‌دانستند و به من نگفتند گله‌مند هســـتم. چیزهایی است که در زندگی خصوصـــی از دل آدم می‌گذرد. من آمدم و در ســـرزمین خودم و آن حرف‌ها را گفتم. این‌ها به فرانســـه چه ربطی دارد؟ اگر آنجـــا می‌گفتم چه بازتابی داشـــت؟ من پیش خودم در دلـــم گفتم همزمان با نیمه‌شـــعبان از نظر من در زندگی من معجزه‌ای رخ داد، آنجا حرف نزدم چون در آنجا اعتقادی وجود نداشت. ولی در مملکت خودم صحبت کـــردم، در مملکت خـــودم صحبت می‌کنـــم و این طور برخورد می‌شـــود! اســـلام محصول ۵۰ سال پیش نیست، حاصل هزاران سال است. من به اعتقاداتم می‌بالم ولی هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.

نقد

در نقد یک مؤسسه فرهنگی

۳ کلمه حرف‌حساب با سازمان«اوج»

آرش شفاعی: سازمان هنری رسانه‌ای اوج یکی از فعال‌ترین مؤسسات در عرصه فرهنگی و هنری کشور است. این مؤسسه امســـال با فیلم‌های «خروج»، «روز بلوا»، «آبادان یازده ۶۰» و «لباس‌شخصی» در جشنواره فیلم فجر حضور پررنگی دارد.

در این یادداشت قصد داریم در مورد سه موضوع، عملکرد اوج را نقد کنیم. لابد لازم به یادآوری نیست که نقد یک مؤسسه یا یک نهاد فعال فرهنگی هنری با تقدیر از ساخت فیلم‌های خوب و ارزشـــمند آن منافاتی ندارد و به قصد بهبود و ارتقای عملکرد آن است.

۱- ســـازمان هنـــری رســـانه‌ای اوج، یک بـــازوی تبلیغاتی جمهوری‌اسلامی است و به اعتبار همین عنوان، خود را موظف می‌داند که پیروزی‌ها و کامیابی‌های بزرگ نظام را مستند و در قالب رسانه سینما ثبت کند. این موضوع، یک نقطه قوت برای اوج اســـت، اما اشتباه در آنجاست که همه پیروزی‌های جمهوری‌اســـلامی را در عرصه امنیتی و نظامی خلاصه کرد. تصویری که بازوهای تبلیغاتی نظام باید از جمهوری‌اسلامی نشان دهند این است که خاصیت منشوروار این نظام را به دنیا نشان دهند. اگر از این منشور رنگارنگ و همه‌گیر غفلت کنیم و آن را در تصویر یک آینه محدب محدود کنیم، تصویر نادرستی از نظام و جمهوری‌اسلامی بازتاب داده‌ایم. جمهوری اسلامی در عرصه‌های اطلاعاتی، ضدجاسوسی و نظامی پیروزی‌های بزرگی کسب کرده، اما همه پیروزی‌های نظام در این حوزه‌ها محدود نیســـت. موفقیت‌های بزرگ علمی، فناورانه، هنری، ورزشی و توانایی جمهوری‌اسلامی در باوراندن «ما می‌توانیم» در حوزه‌های مختلف را نیز باید دید. جمهوری اســـلامی به دست سربازان گمنام و آشکارش حفظ شده، اما ارتقای آن در حوزه‌های مختلف را نیز باید دید و به دنیا نشان داد. انسان‌های بزرگ اما گمنامی تلاش‌های خاموشی کرده‌اند که امروز ایران در عرصه‌های گوناگون دانش و فناوری، نامی قابل احترام در سطح جهان است. تمرکز بر حوزه‌های نظامی و امنیتی موجب می‌شـــود این جنبه از تأثیرگذاری شگفت‌آور انقلاب‌اسلامی دیده نشود و تصویری که از این انقلاب به جهان بازتاب داده می‌شود، همه واقعیت نباشد.

۲- اوج بـــا هنر ســـر و کار دارد پس بایـــد حرفش را به زبان هنر بیان کند. برای این کار باید هنر و ادبیات و فرهنگ را با همه پیچیدگی‌ها و تنوعش بشناسد و بفهمد. هنر تنها سینما نیست و سینما نیز تنها فیلم‌های «تولید عظیم» در ژانرهای جاسوســـی و جنگی نیست. ما اگر به فکر الگوسازی در حوزه سبک زندگی هســـتیم، باید بدانیم که این الگوسازی تنها با درشت‌نمایی و قهرمان‌ســـازی در عرصه امنیتی و اطلاعاتی ممکن نیست. سبک زندگی یعنی امورجاری و روزمره، یعنی غم و شادی مردم، یعنی دغدغه‌های کوچک اما مهم زندگی. برای الگوســـازی در ســـبک زندگی، ناچار باید تنوع ژانری را پذیرفـــت و اجرا کرد. باید برای کودک، نوجوان، دختر جوان، پســـر در آستانه بلوغ، مرد و زنی که خانواده تشکیل داده‌اند و پیرمرد و پیرزنی که دغدغه‌های سالمندی دارند، حرفی داشت. باید بلد بود به طنز حرف زد، فانتزی ساخت، از عشق گفت، از فراق، از وصال، از محبت در خانواده، از رابطه فرزندی و پدر و مادری. اگر به این حوزه‌ها وارد نشویم و برای مردم کشور خود حرفی نداشته باشیم، نباید از دیگران و بیگانگان توقع داشته باشیم که برای شادی و غم آنان برنامه نریزند. حرف‌های گل درشت سیاسی و طعنه بار این و آن مقام کردن، همه سینما نیست. اگر توانستی حرفی برای یک کودک یا جوان مسلمان بزنی که امید و شادی را در او نکشی، هنر کرده‌ای.

۳- اوج بخواهـــد یا نخواهد، بخش مهمی از جریان تولید در سینمای ایران است. تولید در سینما نیز به پول و سرمایه گره خورده اســـت. تا زمانی که اوج در این زمینه شفاف و روشن عمل نکند، نباید انتظار داشته باشد دیگران نیز شفاف باشند. مؤسســـه‌ای که خود در مذمت عملکرد مبهـــم مالی، فیلم می‌سازد باید در این عرصه پیشگام باشد. متأسفانه سکوت اوج در این حوزه، بهانه به دســـت مخالفان داده و شایعات و ارقام عجیب و غریب و شگفت‌آور در محافل هنری و سینمایی درباره قراردادهای اوج رایج است. این مسئله نه به نفع اوج است و نه به نفع فیلم‌سازانی که با اوج همکاری می‌کنند. فارابی در چند نوبت فهرستی از کمک‌های خود به ساخت برخی فیلم‌ها را منتشـــر کرده، اگرچه این فهرست همچنان جای بحث دارد، به عنوان قدم اول قابل توجه است. خوب است اوج نیز در این مسیر قدم بردارد تا هم جلو شایعات و دروغ‌ها را بگیرد و هم نشان دهد به آنچه در فیلم‌هایش نشان می‌دهد، متعهد است.